

طلاق عاطفی

طلاق عاطفی، پدیده‌ای است که چند سالی است مورد توجه جامعه‌شناسان و مشاوران خانواده قرار گرفته است؛ پدیده‌ای که به گفته محققان در این زمینه، شیوع فراوانی پیدا کرده و آمارهای بسیار نگران‌کننده‌ای در این زمینه منتشر شده است.



طلاق عاطفی، پدیده‌ای است که چند سالی است مورد توجه جامعه‌شناسان و مشاوران خانواده قرار گرفته است؛ پدیده‌ای که به گفته محققان، در این زمینه، شیوع فراوانی پیدا کرده و آمارهای بسیار نگران‌کننده‌ای در این زمینه منتشر شده است. اما مستقلاً از هم زندگی می‌کنند، تفاوت‌هایی دارد، اما در عین حال این دو بسیار به هم نزدیک هستند و امکان ختم شدن این گونه زندگی‌ها به طلاق عاطفی بسیار زیاد است.

البته این مساله بیشتر، مربوط به خانواده‌هایی است که به علت مسائل سنتی و عرفی که حاکم بر عقاید آنهاست یا برخی باورهای نادرست و نگرش‌های منفی جامعه نسبت به زنان مطلقه، ترس و نگرانی از تنهایی، از دست دادن فرزندان یا ناتوانی در تامین نیازهای زندگی تصمیم می‌گیرند به اجبار زیر یک سقف زندگی کنند. در چنین اوضاع نابسامانی، زن انزوا طلبی اختیار کرده و خود را شریک زندگی نمی‌داند و تنها به دلیل شرایط اجتماعی، خانوادگی و فرهنگی به زندگی ادامه می‌دهد. باید به این نکته توجه کرد طلاق عاطفی به هر شکلی و به هرگونه‌ای که در زندگی زوجها به وجود آید موجب از هم پاشیدگی عاطفی خانواده می‌شود. در این نوع خانواده‌ها زن و مرد زیر یک سقف زندگی می‌کنند، ولی هیچ رابطه احساسی میان آنها وجود ندارد.

از دلایل به وجود آمدن طلاق عاطفی در خانواده می‌توان به نبود شناخت زوجین از یکدیگر، تفاوت‌های فرهنگی موجود میان خانواده‌ها، دخالت دیگران و بسیاری مسائل دیگر اشاره کرد؛ اما شاید بتوان گفت مشکلات جنسی و تفاوت سلیقه‌ای در این امر از مهم‌ترین مشکلاتی است که برای یک زن و شوهر پدید می‌آید، ولی در مطالعات جامعه‌شناسی کمتر مورد بحث قرار گرفته است.

با این که همسران در این نوع طلاق به طور رسمی از هم جدا نشده‌اند یا حتی هنوز با هم زیر یک سقف زندگی می‌کنند، اما سردی روابطشان، پیامدی به مراتب بدتر از طلاق رسمی بر اعضای خانواده دارد. در طلاق عاطفی زن و شوهر عواطف خود را از هم دریغ می‌کنند. شاید ساعت‌ها زیر یک سقف باشند، با هم غذا بخورند، اما غریبه‌اند، حوصله ابراز عشق و علاقه ندارند و به نوعی همخانه محسوب می‌شوند.

از آنجا که طلاق عاطفی به سن و طبقه خاصی اختصاص ندارد و ممکن است هر کسی را درگیر خودش کند، بهتر است کاملاً عوامل به وجود آورنده این نوع طلاق و جدایی خاموش را بشناسیم.

در مجموع از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند باعث طلاق عاطفی شود، می‌توان به بی‌اعتمادی و تغییر شخصیت زوجین به مرور زمان، اشتغال و مشغله زیاد زوجین و کمبود وقت برای صرف آن برای یکدیگر، کاهش ابراز علاقه و جذابیت‌های هر یک از زوجین، لجبازی و سعی در بهتر جلوه دادن خود در مقابل دیگری و تعداد زیادی موارد دیگر اشاره کرد.

نکته قابل توجه این است که دوست داشتن آموختنی است. بیشتر زوجها در طول روز حتی یک بار به صورت هم نگاه نمی‌کنند یا حرف تازه‌ای برای گفتن ندارند و نکته دیگر این که اگر زن و مرد با تفاوت اخلاقی و رفتاری هم آشنا باشند، دچار سوءتعبیر نمی‌شوند پس سعی کنید حالات، روحیات، نیازها و توقعات همسران را بخوبی بشناسید.

زمانی را برای گفت‌وگو، ابراز محبت و تبادل نظر با همسران اختصاص دهید و این فرصت را به بهانه اشتغال و امور فرزندان و آشپزی و خرید و... به تعویق نیندازید. به مرور زمان گفت‌وگوی خصوصی‌تان را افزایش دهید.

اگر می‌خواهید زندگی تان سرشار از مهر و محبت باشد و هیچ گاه دچار این جدایی خاموش نشوید از سرزنش کردن یکدیگر بپرهیزید. هرگز با طعنه، زخم‌زبان، کنایه با یکدیگر صحبت نکنید و تصور نکنید یک زندگی ایده‌آل، زندگی بدون هیچ اختلاف نظری است، بلکه اختلاف نظر و تفاوت همیشه وجود خواهد داشت. مهم این است که نحوه حل اختلاف را بدانیم و فراموش نکنیم اختلافات در بسیاری موارد باعث تفاهم بین همسران می‌شود.

اگر رنجشی قابل چشم‌پوشی است از آن بگذرید؛ ولی اگر برایتان مهم است، هر چند مساله کوچکی باشد، آن را به طرز صحیحی با همسر خود در میان بگذارید.

به همدیگر محبت کنید و رنجش‌های گذشته را مرتب یادآوری نکنید، در ابراز عشق از همسران پیشی بگیرید و او را با بهترین القاب صدا بزنید و هنگام صدا کردن و صحبت با او به صورتش نگاه کنید.

بهتر است بدانید اگر هدف از زندگی مشترک، داشتن رابطه‌ای عاشقانه است، بهای این زندگی را باید با گذشت و ایثار بپردازید

